

«پژوهش‌های ایران فرهنگی» ۳

## کاوش در تپه بمپور

محوطه‌ای از هزاره سوم پیش از میلاد در  
بلوچستان ایران

بنادریس دکارדי

مترجم:  
حسین مرادی



آمی پارسی  
پل فبروزه

## «پژوهش‌های ایران فرهنگ» ۲

دیبر: محسن شهرنژاد

این کتاب با حمایت  
سازمان منطقه آزاد چابهار  
 منتشر شده است.



حفری‌ها (باستان‌شناسی) -- ایران -- پمپور	موضوع:	دکاری، باتریس، ۱۹۱۴ - م
Excavations (Archaeology)	موضوع:	De Cardi, Beatrice, 1914-
-Iran-Bampur	موضوع:	کاوش در پهله پمپور؛ محوطه‌ای از هزاره سوم پیش از میلاد
پمپور -- آثار تاریخی	موضوع:	در بلوچستان ایران/بناتریس دکاری؛ ترجمه حسین مرادی
Bampur (Iran) -- Antiquities	موضوع:	تهران: موسسه آمی پارس؛ انتشارات پل فیروزه، ۱۳۹۸، ۲۶۴ ص.
Bampur (Iran)	موضوع:	تصویر: مصطفوی، جدول، نمودار؛ ۲۱۰ س.م.
مرادی، حسین، -، متترجم	شناسه‌افزوده:	پژوهش‌های ایران فرهنگی ۳
موسسه غیر تجاری آمی پارس	شناسه‌افزوده:	۹۷۸۶۲۲۹۹۶۲۷۰
DSR۵۵	ردی‌بندی کنگره:	مشخصات ظاهری:
۹۵۵۰۷۴۴۰۴۳	ردی‌بندی دری:	فروست:
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۱۵۹۱	عنوان اصلی: Excavations at Bampur, a third millennium settlement in Persian Baluchistan, 1966, 1970.	پژوهش‌های ایران فرهنگی ۳
		پاداشت: وضعیت هم‌روست‌نویسی: فیبا
		پاداشت: باداشت: کتابنامه

۱۳۹۸	چاپ یکم:	کاوش در پهله پمپور؛
۷۰۰ نسخه	شمارگان:	محوطه‌ای از هزاره سوم پیش از میلاد در بلوچستان ایران
۹۷۸۶۲۲۹۹۶۲۷۰	شایک:	بناتریس دکاری
فائزه حجاری زاده	نسخه‌برداری:	متترجم: حسین مرادی
آرش افشاری	صفحه‌مالی:	موسسه آمی پارس؛ انتشارات پل فیروزه
چاپ و صحافی:	پردازی داشت	نشانی: تهران - خیابان پامداران - بومستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول / کد پستی: ۱۶۴۴۶۵۱۱۱ / تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸ / وبسایت: pbinstiute.ir
سولماز مالکی	طرح جلد:	بازننشر این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

تصویر روی جلد: عکسی از قلمه پمپور در دهه

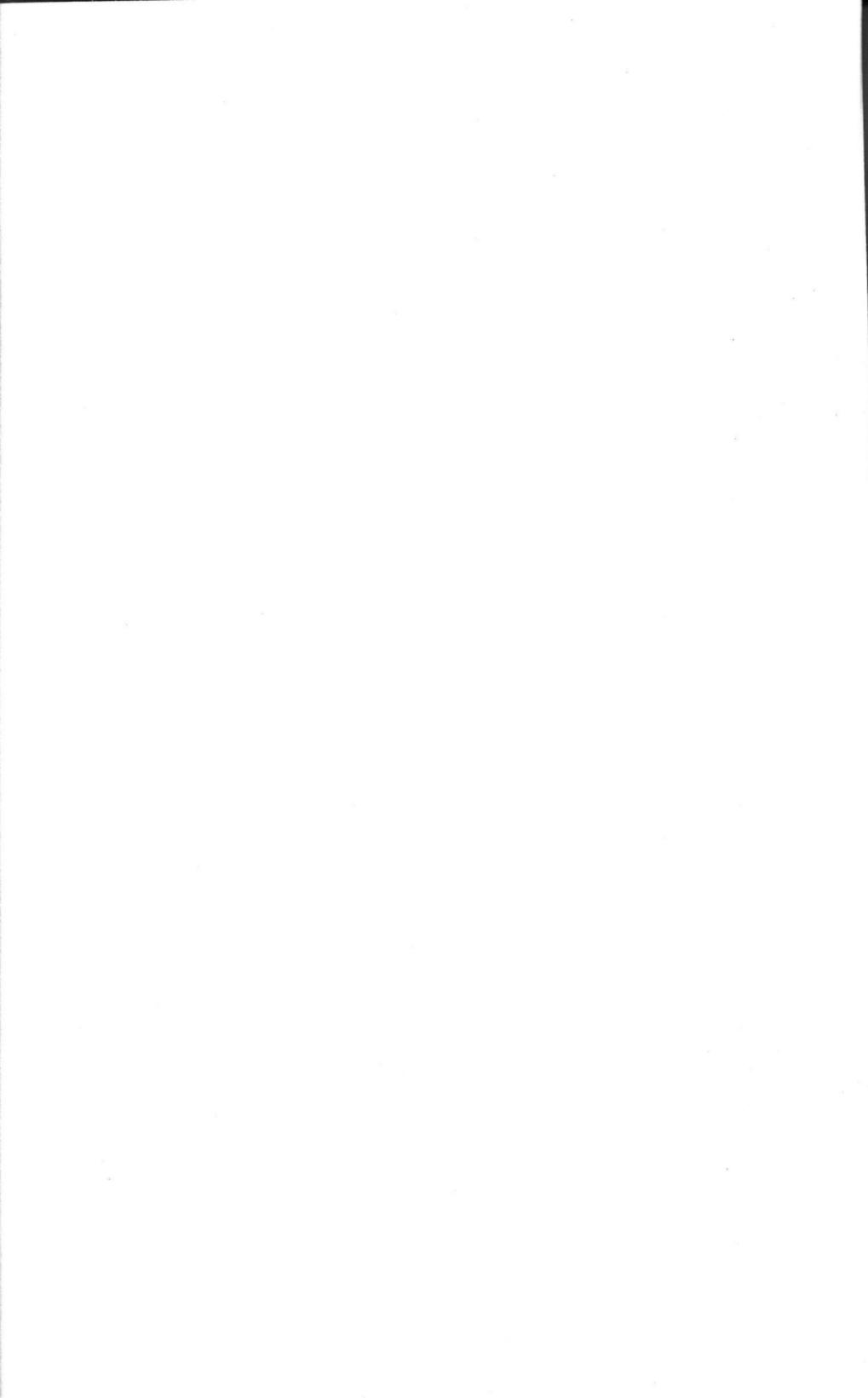
مشتمل بر میلادی و در زمان کاوش دکاری

شناخت: تهران - خیابان پامداران - بومستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول / کد پستی: ۱۶۴۴۶۵۱۱۱ / تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸ / وبسایت: pbinstiute.ir

بازننشر این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

## فهرست

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۹	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۷	سپاسگزاری
۱۹	توبوگرافی
۲۳	کاوش
۲۷	Z مریع
۳۹	Y مریع
۴۷	تئور
۴۹	خشت‌ها
۵۵	گاهنگاری و مقایسه گونه‌شناختی
۵۷	گاهنگاری بمپور در ارتباط با ایران
۶۱	فرهنگ بمپور IV-I ارتباط با افغانستان و پاکستان
۶۹	لایه‌نگاری دشت بمپور
۷۹	ارتباطات با مناطق بیرونی در دوره V و VI
۸۵	بمپور V و VI و ارتباط با فرنگ عمان و بحرین
۱۰۷	سفال بمپور
۱۷۷	یادداشتی بر ظروف سنگی منقوش و سفال‌های خاکستری با نقش کنده
۱۹۱	یافته‌های کوچک غیرسفالی
۲۰۱	فهرست یافته‌های کوچک
۲۰۳	پوشش جانوری بمپور
۲۰۷	گزارشی درباره نرم‌تنان (حلزون)
۲۱۱	گردآوری شده توسط گروه کاوش بمپور
۲۴۹	جدول ویژگی‌های سفال‌ها
۲۵۱	فهرست تصاویر
	فهرست منابع



## یادداشت دبیر مجموعه

سومین اثر از مجموعه «پژوهش‌های ایران فرهنگی» به ترجمه‌گزارشی مهم از مطالعات باستان‌شناسی تپه بمپور اختصاص یافته است.

بمپور در بلوچستان ایران، از غرب به دلگان و جلگه چاه‌هاشم، از شرق به ایرانشهر، از شمال به بزمان و از جنوب به لاشار و نیکشهر می‌رسد. دشت بمپور در میان بلوچستان و روودبار کرمان، یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های پیشاتاریخ این منطقه به شمار می‌رود. تپه قلعه بمپور، امروزه در منطقه شمالی شهر بمپور واقع شده و آثاری از تمدن‌های ادورا مختلف تاریخ ایران را در خود جای داده است. کهن‌ترین آن در کاوش‌های دکاری به دست آمده که به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد و متأخرترین آن، قلعه باقی مانده در بالای تپه است که تا پایان قاجار و اوایل پهلوی اول، محل استقرار قدرت‌های محلی کرمان و بلوچستان بوده است.

کاوش در تپه بمپور گزارش پژوهش میدانی بناتریس دکاری باستان‌شناس انگلیسی در بلوچستان دهه صحت میلادی از «تپه بمپور» است.

بناتریس آیلین دکاری (۱۹۱۴ - ۲۰۱۶) باستان‌شناس انگلیسی و متخصص در مطالعات خلیج فارس و بلوچستان، مدت‌ها ریاست بنیاد بریتانیا در مطالعات عرب را بر عهده داشت. همچنین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۳ دبیر شورای باستان‌شناسی بریتانیا بود. کاوش‌های او در تپه بمپور و پس از آن در حاشیه خلیج فارس و به خصوص قطر، علاوه بر اینکه به کشف بقاوی‌ای مهم از تمدن‌های کهن منطقه منجر شد، بر دانش باستانی از تجارت دریایی خلیج فارس نیز افزود.

اثر مهم او با عنوان کاوش در تپه بمپور؛ محوطه‌ای از هزاره سوم پیش از میلاد در بلوچستان ایران نخستین بار در دهه هفتاد میلادی و در مجموعه مقالات

انسان‌شناسی موزه تاریخ طبیعی امریکا در نیویورک به چاپ رسیده و اکنون پس از گذشت نیم قرن، در اختیار مخاطبان فارسی زبان نیز قرار گرفته است. ترجمه این اثر را دکتر حسین مرادی، باستان‌شناس و معاون گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و سرپرست چندین طرح باستان‌شناسی در حوزه بلوچستان و دره بمپور، بر عهده داشته و با وسوسات علمی و وقوف و آگاهی بر محتوای گزارش، ترجمه‌ای ارزنده و ماندگار را به ثمر رسانده است.

کاوش‌های دکارדי در بلوچستان و کشف سفالگری متمایز هزاره سوم پیش از میلاد در محوطه‌های نزدیک به رودخانه بمپور، اطلاعات تازه‌ای درباره ارتباطات تجاری خلیج‌فارس در عصر مفرغ به دست می‌دهد. آثار به دست آمده از کاوش‌های بمپور همچنین با یافته‌های باستان‌شناسی از تمدن‌های شهر سوخته و هلیل رود در ارتباط است. درنتیجه، ترجمه و انتشار این اثر در توسعه مطالعات باستان‌شناسی حوزه جنوب شرق ایران و بررسی‌های انطباقی در یافته‌های باستان‌شناختی این منطقه، می‌تواند راه‌گشا باشد.

لازم به ذکر است انتشار «کاوش در تپه بمپور» مرهون توجه آقای دکتر سید‌منصور سید‌سجادی باستان‌شناس برجسته ایرانی است که این اثر گران‌قدر را به مجموعه «پژوهش‌های ایران‌فرهنگی» معرفی کردند.

محسن شهرنمازدار

۱۳۸۹ اسفند

## مقدمه مترجم

سرزمین بلوچستان و بهویژه دشت بمپور اگرچه یکی از نقاط مردم‌نشین ایران است، اما باستان‌شناسان در سده اخیر میلادی به شمار می‌رود و سابقه فعالیت‌های باستان‌شناسی در آن به حدود ۱۱۰ سال پیش از نگارش کتاب پیش‌رو بازمی‌گردد، اما به صورت کلی از مناطق با اصطلاح سفید باستان‌شناسی در پهنه سرزمینی و فرهنگی فلات ایران است که فعالیت‌های باستان‌شناسی چشمگیر و مؤثری در آن، پس از اتمام کاوش‌های خانم بناتریس دکاری در تپه بمپور، انجام نگرفته و بسیاری از آگاهی‌های علمی ما از بلوچستان ایران تنها بر پایه مطالعاتی استوار است که سال‌ها از انجام آن‌ها گذشته است. شوربختانه در این سه چهار دهه اخیر، تکاپو و تلاش باستان‌شناسان خارجی در آن‌سوی مرزهای سرزمین بهویژه در شبه‌جزیره عمان و مکران پاکستان، بر چشم‌انداز باستان‌شناسی این منطقه سایه افکنده است.

اگرچه در دهه‌های پس از انقلاب و بهویژه از دهه هشتاد شمسی به این‌سو، مطالعات جستجوگری‌خانه‌ای در منطقه بلوچستان با اهداف مختلفی چون نجات‌بخشی، جلوگیری از غارت محوطه‌ها در پی کاوش‌های غیرمجاز و نیز مطالعات پژوهشی با هدف آموزش دانشجویان باستان‌شناسی به انجام رسیده است، اما با این وجود، این فعالیت‌ها در جستجوی پرسش‌های بنیادین باستان‌شناسی منطقه و یا در راستای رویکردهای فرادستی و ملی نبوده و بیشترشان محدود به گزارش‌هایی یک یا دو صفحه‌ای با شمایل سازمانی و اداری بوده است. امید است که ترجمه فارسی این کتاب بتواند توجه باستان‌شناسان علاقه‌مند به این حوزه به خصوص باستان‌شناسان جوان را بیشتر از پیش به خود جلب کرده و گامی مثبت در افزایش علاقه به پژوهش‌های باستان‌شناسی بلوچستان باشد.

کتاب پیش رو اثر ارزشمند خانم دکارדי بوده و در برگیرنده نتایج توصیفی و تحلیلی کاوش‌های تپه بمپور است که پس از انتشار چند مقاله درباره این تپه مهم در مرکز بلوچستان ایران، به نگارش درآمده است. در زمان انتشار این گزارش، هنوز بسیاری از محوطه‌های جنوب شرق ایران و مکران پاکستان همانند شهر سوخته، تپه یحیی، میری کلات، مهرگره ناشناخته بوده یا کار کاوش علمی آن‌ها تقریباً همزمان یا اندکی بعدتر از کاوش‌های تپه بمپور شروع شده بود و بنابراین اطلاعات ایشان و سایر باستان‌شناسان محدود به بررسی‌ها و کاوش‌های شتاب‌زده و بعض‌اً غیرعلمی اشتین از این محوطه‌ها بوده است، اما دقت نظر و اشراف علمی که خانم دکاردي به‌واسطه انجام بررسی‌ها و کاوش‌هایی در برخی مناطق مکران پاکستان یا حوزه تمدنی دشت سند داشته، باعث شده تا بسیاری از تحلیل‌ها و بهویژه تاریخ‌گذاری‌های تطبیقی و نسبی که از مواد فرهنگی تپه بمپور ارائه داده، پس از گذشت چند دهه، همچنان معتبر باقی بماند و این مستله ارزش ترجمه کتاب ایشان را دوچندان می‌کند.

در پایان لازم است از افرادی که در ترجمه و انتشار این کتاب، همت بلند داشته و یاری ام کرده‌اند سپاسگزاری کنم. نخست مطابق همه این سال‌ها لازم است از استادم جناب آقای دکتر سیدمنصور سیدسجادی که پیشنهاد ترجمه این کتاب را به بنده داده و پلی میان من و موسسه آبی پارسی بودند، قدردانی کنم که بدون حساسیت و توجه ایشان به حوزه جنوب شرق ایران در بیست و پنج سال اخیر، احتمالاً باستان‌شناسی سیستان و بلوچستان چیزی در حد و حدود همان کارهای پیش از انقلاب بود. همچنین باید از مسئولان موسسه آبی پارسی و بهویژه آقایان محسن شهرنازدار دبیر مجموعه پژوهش‌های ایران‌فرهنگی و محمد جمالی مدیر عامل موسسه آبی پارسی برای اهتمام و حساسیت نسبت به حوزه فرهنگی شرق ایران کمال قدردانی را به انجام رسانم. امید است این تلاش‌ها پایدار و استوار باقی بماند. از همسرم خانم مهنوش مؤمنی بروجنی، که زحمت تنظیم جدول‌ها و برخی تصاویر این کتاب را کشیدند نیز سپاسگزاری می‌کنم. امید است که انتشار ترجمه کتاب کاوش‌های تپه بمپور، آغازی بر توجه دوباره به این حوزه فرهنگی مهم از فلات ایران باشد.

## مقدمه مؤلف

کتاب حاضر نشان دهنده نمای کلی کاوش‌های انجام شده در سال ۱۹۶۶ در سکونتگاه پیش از تاریخی بمپور در جنوب شرقی ایران است. حدود ۳۴ سال پیش از نگارش کتاب حاضر، این محوطه توسط سر اول اشتین بررسی شده بود، اما لازم است بر اساس اطلاعات و روش‌های کاری جدیدتر و امروزی، توالی فرهنگی این بخش از بلوچستان ایران را مشخص کنیم.

کاوش‌ها در دو برش عمیق (مربع‌های ۷ و Z) انجام گرفت که به شناسایی شش دوره استقرار منجر شد. سفال بمپور به خاطر اطلاعات جدیدی که در مورد ارتباطات موجود بین مناطق مرزی بلوچستان ایران و سرزمین‌های همسایه آن یعنی افغانستان و پاکستان در هزاره سوم پ.م ارائه می‌کند، دارای اهمیت زیادی است. نکات دیگری، هرچند با اهمیت نسبتاً کمتر، در مورد ارتباطات موجود با سواحل جنوبی خلیج‌فارس وجود دارد، اما در مورد این احتمالات باید منتظر مدارک جدیدتری بود.

ظروف سفالی چهار دوره نخست، نشان دهنده رشد و گسترش در درون مجموعه‌ای است که تاکنون ناشناخته بوده و به نام فرهنگ دوره IV-I بمپور نامگذاری می‌شود. این فرهنگ ابتدا با فرهنگی ترکیبی و وارداتی در دوره ۷ جایگزین شده و نهایتاً در دوره VI به شکوفایی می‌رسد. در بمپور، هیچ‌گونه نمونه تاریخ‌گذاری شده بر اساس کرین ۱۴ وجود ندارد، اما مدارک تطبیقی موجود نشان می‌دهد که شش دوره استقراری موجود، تقریباً از دو میلیون ربع هزاره سوم تا حدود ۱۹۰۰ پ.م را دربر می‌گرفته است. نتایج پژوهش‌های انجام شده به صورت خلاصه به شکل زیر است:

دوره I: در این دوره تنها آوارهای حاصله از استقرارهای هم‌جوار وجود دارد.  
دوره II: قدیمی‌ترین ساختارهای معماری، در بازه زمانی نسبتاً کوتاه، متعلق

۱. شوربختانه خانم ذکاری در سرتاسر متن از واژه خلیج به جای خلیج‌فارس استفاده کرده است - م.

به این دوره است که سفال‌های چرخ‌ساز قرمز و خاکستری با پوشش کرمزنگ در این دوره تولید شده است.

دوره III: آثار این دوره در مربع Z از طریق بازسازی‌های انجام شده در آثار معماری و سه فاز استقراری دیده می‌شود. سفال این دوره نشان‌دهنده وجود ارتباطاتی با مناطق شمالی و مشخصاً سیستان و نیز در فاز ۳ این دوره با موندیگاک<sup>۱</sup> IV.1 در جنوب شرقی افغانستان است.

دوره IV: آثار این دوره در مربع Z به شکل گسترش مجدد یک فاز استقراری اولیه و دو فاز ساختاری بعدی است. نشانه‌های تداوم ارتباطات فرهنگی فاز ۱ این دوره با شمال از روی شباهت‌های سفالی و اشیاء کوچک مشهود است. رسیدن اقوام بیگانه به بمپور در اوایل این دوره، از طریق حضور گونه‌های سفالی آن‌ها، هم در بمپور و هم در تدفین (B.ii) خوراب<sup>۲</sup> در چند کیلومتری شرق بمپور دیده می‌شود.

دوره V: در این دوره تداوم لایه‌نگاری و فرهنگی با دوره پیشین قطع شده است. در این دوره یک گونه سفال نخودی با پوشش قرمزنگ جایگزین گونه سفالی کرمزنگ فرهنگ بمپور I-V شده و تکنیک‌های جدید و مشخصاً صیقلی داغدار و نیز روش خراش دادن بر روی بدنه در سفال خاکستری رایج می‌شود. چند نمونه از طرح‌های سفال فرهنگ قلعه و شغا در استان فارس<sup>۳</sup>، در فاز ۱ این دوره ظاهر می‌شود و همانندی‌هایی بین مرحله مهی<sup>۴</sup> از گونه ظروف کولی<sup>۵</sup> در فاز ۲ همین

۱. موندیگاک در تقاطع رودهای ارغنداب و هیرمند در نزدیکی رود کشیک نخود در جنوب قندهار افغانستان واقع است. گاهانگاری و لایه‌نگاری تپه بر اساس کاوش‌های کاوال از آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد تا اواسط هزاره اول پ.م. بازسازی شده و به هفت دوره تقسیم می‌شود -م.

۲. خوراب به گمان فراوان محوطه‌ای تدفینی متعلق به نیمه هزاره سوم پ.م. است که در تقاطع رودخانه‌های خوشکوار و بمپور در ۱۰ کیلومتری جنوب شرق تپه بمپور قرار دارد که موقعیت دقیق آن پس از کاوش اشتبین مجھول بود و در بررسی اینچنان در سال ۱۳۸۶ مجدداً مورد شناسایی قرار گرفت -م.

۳. فرهنگ‌قلعه و شغا در شرق استان فارس قرار داشته و دکاری ارجاعات بسیاری برای بیان همانندی‌های مواد فرهنگی بمپور و مناطق غربی به آن‌ها می‌دهد. باید توجه داشت که در زمان نگارش کتاب کاوش‌های بمپور توسط دکاری، بسیاری از محوطه‌های هزاره سوم جنوب شرق ایران و حتی استان فارس یا مورد کاوش قرار نگرفته بودند یا فصل‌های آغازین کاوش خود را سپری می‌کردند و بنابراین منابع مقایسه‌های گونه‌شناسنخستی دکاری در اصل اطلاعاتی بوده که واندنگار ارائه کرده است -م.

۴. مهی (Mehi) یکی از مهمترین محوطه‌های فرهنگ کولی در بلوجستان پاکستان است که در دشت موشکی در شمال غرب کولاواقع شده و توسط اشتبین شناسایی شده است -م.

۵. دوره کولی از محوطه‌های باستانی مهی، نیایی بوئی و سوردادم در جنوب و جنوب شرق بلوجستان پاکستان به دست آمده و مربوط به سال‌های ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد است. سفال ویژه مرحله کولی سفال با نقش سیاه‌رنگ بر زمینه قرمز تیره است -م.

دوره دیده می‌شود. مدارک موجود نشان می‌دهد که دوره ۷ همزمان با بخشی از پایان استقرار دوره بلوغ هاراپا<sup>۱</sup> در امری IIIIC در دشت سند و نیز دوره شکوفایی در لوتاب<sup>۲</sup> (A-Phase IIIB) در سواحل غربی هندوستان بوده است.

دوره VI. شاخصه این دوره یک سبک محلی سفالی سرچشمه گرفته از گونه‌های سفالی دوره ۷ است. در میان سفال‌هایی که استفاده از آن‌ها از دوره پیشین در این دوره تداوم پیدا کرد، باید به گونه سفال‌های خاکستری خراشیده با نقش کنده و همچنین ظروف مکعبی شکل سیاه بر روی خاکستری با نقوش جانوری که کاملاً شبیه قبرهای سنگی یادمانی فرهنگ ام‌النار در شبه‌جزیره عمان<sup>۳</sup> است، اشاره کرد. این گونه شباهت‌ها بیانگر نخستین ارتباطات بین دو سوی سواحل خلیج فارس هستند. گفته شده که فرهنگ ام‌النار در یک بازه زمانی با فرهنگ برابر در بحرین همزمان بوده است. کشف یک اثر مهر سبک هندی در بحرین شبیه به آن چیزی که در مجموعه بابلی دانشگاه بیل، تاریخ ۱۹۲۳ پ.م را دارد، تاریخ ۱۹۰۰ پ.م را برای این دوره بمپور پیشنهاد می‌دهد. حضور تعداد زیادی محوطه‌های پیش از تاریخی (شکل ۱) در دشت بمپور در بلوچستان ایران ابتدا توسط سر اورل اشتین در سال ۱۹۳۲ گزارش شده است. دو محوطه در منتهی‌الیه این دشت به نام‌های چاه‌حسینی و قلعه سردگاه<sup>۴</sup> سفال‌های دست‌ساز با نقوش ساده هندسی ساده داشته‌اند.

از نشانه‌های دوره‌های جدیدتر می‌توان به ظروف سفالی که در حفاری‌های اشتین در گورستان خوراب در کرانه چپ رودخانه بمپور به دست آمده و همچنین

۱. دوره هاراپا فاصله زمانی ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پ.م را در بر می‌گیرد و در تپه‌های بالاکوت، سوتکاکوه و سوتکاگن دور به دست آمده است.<sup>۵</sup>

۲. لوتاب یک محوطه ساحلی با به عبارتی یک بندرگاه پیش از تاریخی از دوره هاراپایی در اوخر هزاره سوم پ.م در غرب شبه‌قاره هند است.<sup>۶</sup>

۳. محوطه‌های ام‌النار و هیلی دو محوطه استقراری تدفینی بسیار مهم در باستان‌شناسی هزاره سوم پیش از میلاد در سواحل جنوبی دریای عمان به شمار می‌روند.

هم ام‌النار و هم هیلی محوطه‌هایی استقراری با پشتنهای سنگی به عنوان سازه‌هایی آرامگاهی و تدفینی هستند. حدود ۱۳۰ کیلومتر به سمت جنوب ام‌النار جلگه بورامی و دشت هیلی قرار دارد که در این منطقه تعداد زیادی سازه تدفینی شبیه نمونه‌های ام‌الناری است که در شرق و شمال هیلی قرار دارند و از نظر کارکرد و ساخت و شکل عیناً شبیه نمونه‌های ام‌النار هستند.<sup>۷</sup>

۴. تپه چاه‌حسینی و محوطه موسوم به قلعه سردگاه از محوطه‌های کلیدی هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد در مرکز بلوچستان ایران است که در غرب بمپور قرار دارد. چاه‌حسینی یکی از تپه‌های کلیدی برای درک فرایندهای فرهنگی مس سنگی منطقه بلوچستان است که در ۳۰ کیلومتری غرب بمپور قرار دارد و قلعه سردگاه تپه به مراتب کوچکتر در ۵ کیلومتری غرب تپه بمپور است که امروزه به نام بالائچ شناخته می‌شود.<sup>۸</sup>

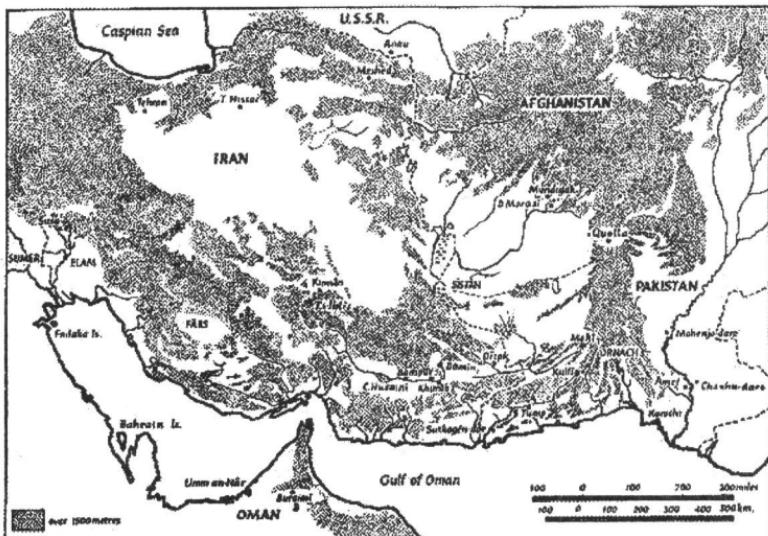
از محوطه‌های بالادست همین رودخانه در محل برخورد دامنه کوهها و شمال دشت ایرانشهر پیدا شده و اکنون مرکز اداری این بخش است، نام برد. گونه دیگر سفالی با همین اهمیت در گمانه‌های اشتبین در محوطه پیش‌ازتاریخی بمپور در پای قلعه و در حاشیه روستای فعلی بمپور در مرکز دشت یافت شده است.

اشتبین در تشریح نتایج بررسی خود (۱۹۳۷: ۱۰۸) توجه ما را به شباهت بین سفال بمپور و سایر موادی که وی در مکران پاکستان در فرهنگ کولی دیده، جلب می‌کند. در دوره‌های جدیدتر بمپور این گونه شباهت‌ها با فرهنگ قلعه در استان فارس (Vanden Berghe 1959:42) مشاهده شده است. علاوه بر این ارتباطات شرقی- غربی، رابطه‌های دیگری نیز توسط فیرسرویس (۱۹۶۸: ۹۸) بین برخی از گونه‌های پیش‌ازتاریخی جنوب سیستان و فاز «خوراب» در دشت بمپور دیده شده که او از آن با اصطلاح جابه‌جایی فرهنگی از ایران به سمت شرق نام می‌برد. علی‌رغم توجهی که این ظروف به خود جلب کردند، چنین سفال‌هایی هنوز فقد انسجام لایه‌نگارانه برای بررسی ارتباطات فرهنگی و تاریخ‌گذاری تطبیقی می‌باشند. برای تعیین توالی فرهنگی این بخش از بلوچستان، کاوش‌های ما در بهار سال ۱۹۶۶ آغاز شد. دلیل انتخاب بمپور این بود که این محوطه افزون بر قرارگیری در دشتی با آب کافی، در یک محور شرقی- غربی، نزدیک محل تلاقی راه‌هایی که می‌توانسته آنجا را به عنوان یک سکونتگاه مهم از همان دوره پیش‌ازتاریخی درآورده باشد، قرار گرفته است. با این‌همه، به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد محوطه‌های کوچک‌تر دیگری نیز در این دشت وجود داشته که مدارک مرتبط با ارتباطات فرهنگی با سایر سرزمین‌های هم‌جوار را در خود حفظ کرده باشند.

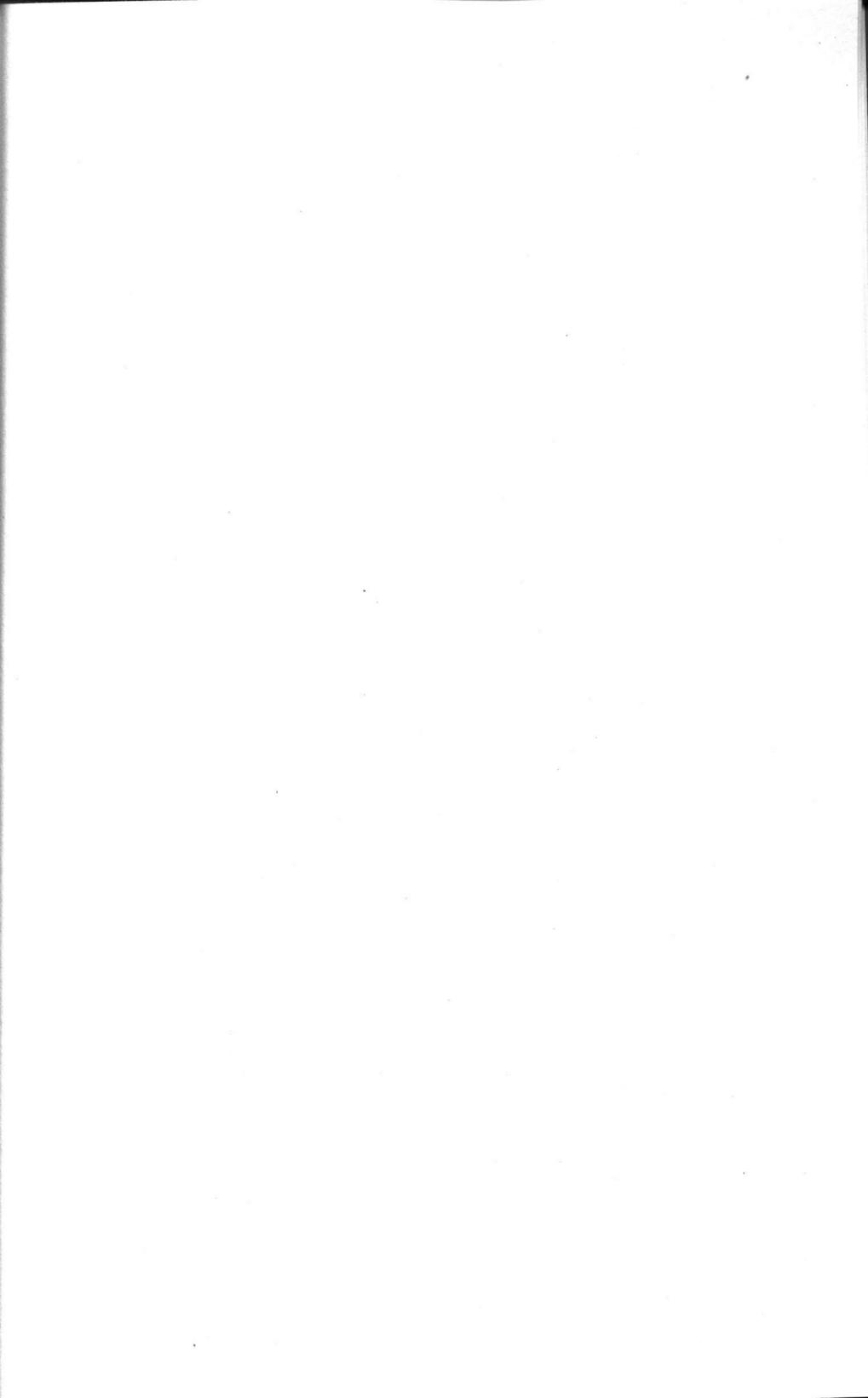
سفال‌های سطحی یافت شده در بررسی اولیه ما نظر اشتبین مبنی بر اینکه منطقه استقرار پیش‌ازتاریخی در قسمت شمال غربی قلعه فعلی قرار گرفته (شکل ۳) تأیید کرد. این بخش، جایی است که دیوارهای فرسوده قلعه، یک تپه بلند و کشیده را تشکیل داده که در بخش‌هایی با رسوبات و آوارهای نرم پوشیده شده است. به نظر می‌رسد که در اصل، یک تپه پیش‌ازتاریخی هسته اصلی این تپه را تشکیل داده و بعدها از آن به عنوان نقطه مرتفع و مشرف به دشت استفاده شده است که در اصل پوشیده از آوارهای قلعه است (شکل ۵). اگرچه به دلیل کمبود وقت و منابع لازم امکان امتحان و بررسی این نظر پیدا نشد، اما امکان و احتمال وجود یک استقرار پیش از دوره اول را که توسط ما مورد کاوش قرار گرفت، نباید از نظر دور داشت.

کاوش‌های ما در دو مربع Z و Y تا خاک بکر ادامه پیدا کرد. بخش‌هایی از گمانه کاوش شده مربع Y با قسمتی از گمانه آزمایشی ناتمام اشتبان برخورد پیدا کرد. در هر دو مربع، شش دوره استقرار پیش از تاریخی با لایه‌هایی که تشکیل یک مصطبه بلند را داده بودند پوشیده شده بود که محدوده آن در این قسمت، به بیرون از محدوده نقشه‌برداری شده تپه کشیده می‌شد. آشفتگی و فرسایش موجود در این لایه‌ها در هر دو گمانه کاوش شده، اجازه نداد که توالی استقرارهای بعدی روشن شود و بخشی از طول یک دیوار مربوط به آن دوره توسط گمانه حفاری شده توسط اشتبان از بین رفته و خراب شده بود. هنگامی که اطلاعات بیشتری درباره مصالح ساختمانی محوطه‌های اوایل دوره تاریخی در این منطقه به دست آوریم، اندازه خشت‌های این دیوار (۴۰ در ۲۲ در ۱۱ سانتی‌متر) ممکن است به تاریخ‌گذاری این استقرار جدید کمک کند.

یک سکونتگاه متعلق به قرون میانی اسلامی به بعد بین قلعه و روستای کنونی بمپور قرار دارد. موقعیت بمپور و قرار گرفتن آن بر سر راه‌های اصلی و مواد پراکنده در روی سطح آن نشان از اهمیت این محوطه در دوران اسلامی می‌دهند.



شکل ۱. نقشه بلوجستان ایران و سرزمین‌های اطراف آن



## سپاسگزاری

این کاوش‌ها با حمایت انجمن سلطنتی آسیابی و همچنین به همراه پشتیبانی‌های مالی از طرف آکادمی انگلستان، بورس پژوهشی لورهولم<sup>۱</sup>، بورس راسل تراست<sup>۲</sup>، کرودر بینون دانشگاه کمبریج<sup>۳</sup>، و انجمن عیقات لندن<sup>۴</sup> به انجام رسید. افزون بر همه این‌ها، گروه کاوش قدردان شماری از نهادها و سازمان‌ها برای تجهیز و کمک در زمینه تغذیه، مسائل پزشکی و سایر مواردی از این دست است. این‌جانب مديون وزارت فرهنگ و هنر برای صدور مجوز بوده و از همکاری و شخصیت فوق العاده آقای دکتر عزت‌الله نگهبان و مرکز باستان‌شناسی ایران بسیار سپاسگزارم.<sup>۵</sup>

گروه باستان‌شناسی تحت نظر من عبارت بودند از آقایان پیتر بروکستون<sup>۶</sup> و تیموتی استریکلن<sup>۷</sup> که مستول مربع‌های Z و Y بودند و دکتر دورینگ کاسپر<sup>۸</sup> و آقای جورج بارینگتون<sup>۹</sup> سفر رفت و برگشت گروه را از لندن به ایران سازمان‌دهی کردند. آقای محمد صراف در این کاوش به عنوان نماینده مرکز باستان‌شناسی

1. Leverhulme

2. Russell Trust

3. Crowther-Beynon Trust

4. Society of Antiquaries of London

5. Messrs. Alfred Bird and Sons; British Edible Oils; the British Egg Marketing Board; C.I.B.A.; Dunlop Rubber Company; Glaxo Laboratories; the Nestle Company; Oxo, Ltd.; Sterling Poultry Products; and Unigate, Ltd.

6. Peter Broxton

7. Timothy Strickland

8. E. C. L. During Caspers

9. George Barrington

ایران حضور داشت. استادکاران فنی حفاری، آقایان حیدر زارع و همکارش سلمان زارع که پیش از این در پاسارگاد کار کرده بودند، کمک شایانی به ما در برقراری ارتباط و مدیریت شش کارگر بلوچ داشتند.

روشن است که سازماندهی چنین گروه کاوشی در این منطقه نیازمند همکاری و هماهنگی سازمانها و افراد زیادی است. من به صورت ویژه از آقای دیوید استروناخ<sup>۱</sup> و دکتر برايان اسپونر<sup>۲</sup> که به ترتیب مدیر و معاون مدیر مؤسسه مطالعات ایرانی انگلیس هستند، برای کمک آنها در مذاکرات اولیه و همکاری در خصوص اقامت ما در ایران و همچنین از آقایان دهدشتی استاندار سیستان و بلوچستان و سیستان و هوزنگ مباشر فرماندار بمپور برای خوشآمدگویی به ما سپاسگزارم و باید از آقای فردیک گولشتین<sup>۳</sup> برای مهمان نوازی هایش در طول اقامت در بمپور قدردانی کنم.

پس از خروج از ایران، با همکاری اداری با موزه دهلی نو موفق به آزمایش مواد فرهنگی جنوب غربی مکران در مرکز مرمتی صدرجنگ<sup>۴</sup> شدم. باید در اینجا از آقای بیبی<sup>۵</sup> به خاطر در دسترس قرار دادن مواد به دست آمده از کاوش های گروه های باستان شناسی دانمارکی در محوطه های خلیج فارس در موزه آرهاوس<sup>۶</sup> سپاسگزاری کنم. نتایج به دست آمده از مطالعه من درباره ارتباط بین بمپور و موندیگاک بعدها با صحبت و تبادل نظر با دکتر ژان ماری کازال<sup>۷</sup> که مهربانانه مواد فرهنگی مرتبط با آن حوزه را مورد ارزیابی قرار داد، برداشت شد. من همچنین مدیون دکتر دورینگ کاسپر برای مشارکت در پژوهش روی طروف سنگی منقوش و سفال های خاکستری با نقش کنده و نیز کشیش بیگز<sup>۸</sup> برای موضوع مطالعه نرم تنان بمپور هستم. امیدوارم که بتوانم سپاسگزاری ویژه خود را از سر مورتیمر ویلر برای کمک و توصیه هایش برای آماده سازی و تشکیل گروه کاوش و همچنین تنظیم نوشتار پیش روی کرده باشم.

1. D. B. Stronach

2. Brian Spooner

3. Friedrich Gulestian

4. Safdar Jang

5. Bibby

6. Aarhus Museum

7. Jean-Marie Casal

8. H. E. J. Biggs